

نقشه راه رهبری برای تولید علم و فناوری، توسعه و پیشرفت

علیرضا تاجریان^۱

(تاریخ دریافت ۸۸/۷/۵ - تاریخ تصویب ۸۸/۱۱/۱۲)

چکیده

از مباحث مهم و راهبردی در جوامع مختلف که مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار دارد، مسأله پیشرفت و توسعه و روش‌های تحقق آن است. هر جامعه و کشوری علاقمند به پیشرفت و ترقی در زمینه‌های گوناگون و رسیدن به سطح بالایی از رفاه و آبادانی است، اما برای رسیدن به این مقصد، به برنامه‌ریزی و انتخاب الگویی مناسب نیاز است. در گذشته، قدرت‌های بزرگ، الگوهای سرمایه‌داری غربی یا کمونیستی را برای رشد و توسعه مطرح می‌کردند، اما با فروپاشی شوروی سابق به عنوان سردمدار کمونیسم، اینک کشورهای غربی، مدل خود را به عنوان تنها راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه تبلیغ می‌کنند. اما رهبر انقلاب اسلامی ایران، الگوی جامع و مناسب دیگری را بویژه برای کشورهای اسلامی، مطرح می‌کند و آن الگوی توسعه اسلامی-ایرانی است.

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل است که با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی محقق می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، بر قرار گرفتن ایران از لحاظ رشد

علمی در درجات اول دنیا تأکید دارند و رهنمودهای مدبرانه و حکیمانه ایشان، اولویت‌ها و شاخص‌ها را برای توسعه و پیشرفت ایران اسلامی مشخص می‌کند، لذا نگاه رهبری به مسأله پیشرفت و توسعه، تولید علم و فناوری از جمله مقولاتی است که نیازمند توجه بیشتر مدیران، کارشناسان، اساتید، نخبگان و دولتمردان برای توسعه و اقتدار جمهوری اسلامی است.

از اینرو این مقاله سعی دارد نقشه راه پیشرفت و توسعه جامعه اسلامی را از دیدگاه مقام معظم رهبری ترسیم کند. به همین منظور به مباحثی از جمله «اهمیت علم و فناوری در جهان»، «تولید علم»، «مدل پیشرفت»، «الگوی توسعه»، «تبیین نمای کلی پیشرفت»، «پیش فرض‌های پیشرفت علمی» و «الزامات پیشرفت در دهه چهارم» از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: نقشه راه، رهبری، پیشرفت و توسعه، علم و فناوری، تولید علم، مدل پیشرفت، الگوی توسعه، دهه چهارم.

مقدمه

قرن بیست و یکم، عصر پیشرفت‌های شگرف علوم و فناوری مختلف است و اکثر کشورها، به ویژه در جغرافیای جهان در حال توسعه، برنامه‌ریزی گسترده‌ای را برای دستیابی به دانش‌های نوین آغاز کرده‌اند. برخی از این کشورها در این زمینه گام‌هایی برداشته و برخی دیگر که اکثریت کشورهای جهان سوم را تشکیل می‌دهند، هنوز در وضعیت برنامه‌ریزی به سر می‌برند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، به پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه علوم و فناوری دست یافته و می‌توان گفت که در این زمینه، از کشورهای پیشگام است. در جهان امروز، روند پیشرفت علم، بسیار پرشتاب است و برای زیستن در چنین جهانی، ملت‌ها ناگزیر از تجربه، اندوختن علم و دستیابی به دانش‌های پیشرفته هستند.

نگاهی واقع‌گرایانه به وضعیت کنونی ایران در عرصه‌های مختلف علمی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که در دو دهه اول انقلاب، ایران در زمینه سوادآموزی و رشد کمی و کیفی تحصیلات عالی، به پیشرفت‌های چشمگیری نائل شده اما پیشرفت‌های بزرگ ایران در عرصه علوم و فناوری نوین، در دهه سوم انقلاب حاصل شده است. باید توجه داشت که جهش بزرگ علمی ملت ایران برای جبران عقب‌ماندگی تاریخی کشور در زمینه علم و فناوری، با اشکال تراشی‌ها و

ایجاد موانع توسط قدرت‌های سلطه‌گر مواجه شده است، اما علیرغم این موانع، ایران در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، به مدارج بالایی دست یافته است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، علوم و تحقیقات، رمز واقعی و کلید پیشرفت ملت ایران و دستیابی آن به نقطه مطلوب در زمینه علمی است، اما به هیچ عنوان نباید در همین حد متوقف شود. تأکید مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی بر تسریع روند حرکت ایران به سمت قله‌های پیشرفت و توسعه، ناشی از ضرورت جبران عقب‌ماندگی‌های تاریخی ملت ایران در دوران وابستگی به بیگانگان است.

رهبر انقلاب اسلامی بارها یادآور شده‌اند که پیشرفت‌های چشمگیر ایران در زمینه علوم و فناوری‌های پیشرفته، در سایه علم، ایمان و کوشش مستمر دانشمندان جوان ایرانی حاصل شده است. بدون تردید، در جهان امروز، قدرت واقعی کشورها براساس پیشرفت‌های علمی و فنی آنها تعریف می‌شود و برای ملت ایران نیز علم و تحقیق، راهگشای رسیدن آن به قله‌های توسعه است. از آنجایی که هدف از این نگارش، تبیین دیدگاه‌ها و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی است، ابتدا به تعریف مفاهیم «علم»، «فناوری»، «توسعه» و «پیشرفت» و اهمیت علم و فناوری در جهان امروز پرداخته و سپس مباحثی از جمله «تولید علم»، «مدل پیشرفت»، «الگوی توسعه»، «تبیین نمای کلی پیشرفت»، «پیش فرض‌های پیشرفت علمی» و «الزامات پیشرفت در دهه چهارم» را از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان نقشه راه رهبری برای تولید علم و فناوری، توسعه و پیشرفت را ترسیم خواهیم کرد.

تعریف توسعه و پیشرفت

توسعه و پیشرفت از جمله واژه‌هایی است که در ادبیات اقتصادی و سیاسی جهان، زیاد بکار برده می‌شود. در بسیاری از تحقیقات اقتصادی، این واژه‌ها به صورت مترادف بکار رفته‌اند. برخی از اقتصاددانان تلاش کرده‌اند تا بین پیشرفت و توسعه تفاوت قائل شوند. در تعریف رشد و پیشرفت، بیشتر بر شاخص‌های اقتصادی و کمی مثل درآمد سرانه و یا تولید ناخالص ملی، تأکید می‌شود. در مقابل، توسعه شامل تحولات و تغییرات زیربنایی نیز می‌گردد. به عبارت دیگر محدوده توسعه، گسترده‌تر از رشد و یک فرایند چند بعدی است. عده‌ای از اقتصاددانان، توزیع عادلانه ثروت، فقرزدایی، وضعیت بهداشتی و آموزشی مطلوب، ایجاد اشتغال، بهره‌برداری بهینه از امکانات طبیعی و انسانی و در نهایت رفاه عمومی را از شاخص‌های توسعه به شمار می‌آورند.

«توسعه» در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). بنابراین می‌توان گفت توسعه به معنای افزایش سطح و کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی است. بدین مفهوم که شاخص‌های ارتقاء سطح زندگی مانند درآمد، سواد و تحصیلات، رفاه اجتماعی، بهداشت و درمان و امید به زندگی در جامعه در سطح بالایی قرار بگیرد و برای همه آحاد مردم در دسترس باشد و فقر و بیکاری در جامعه به حداقل برسد. پیشرفت نیز از نظر لغوی به معنی پیش‌رونده و سیرکننده به طرف بالا و جلو در جهت مثبت می‌باشد.

تعریف علم

علم (science) از واژه لاتین «scientia» به معنای آگاهی و معرفت (knowledge) مشتق شده است، اما چستی و تعریف آن در یک جمله نمی‌گنجد؛ با این وجود، می‌توان علم را کسب دانش دقیق و قابل اتکا از دنیای اطراف تعریف کرد. همچنین می‌توان آن را دانستن، دانش و حتی آموختن و آموزیدن معنی کرد.

تعریف فناوری

فناوری ترجمه واژه لاتین تکنولوژی می‌باشد، تکنولوژی ریشه یونانی دارد و از دو کلمه «تکنو» و «لوژی» تشکیل شده است. تکنو به معنی مهارت و آن چیزی است که آفریده انسان باشد و در مقابل Arche یعنی آفریده خداوند متعال قرار دارد. لوژی در یونان قدیم به معنی علم، دانش و خرد به کار می‌رفته است. به این ترتیب فناوری در ترکیب این دو کلمه هنر و مهارت در دانش را تداعی می‌نماید و این مفهوم نهفته است که انسان خردمند در تعامل با طبیعت به قوانین عام آن دست می‌یابد و با بازآفرینی این قوانین در محیط و شرایط دلخواه، کاربردهای مورد نظر خود را ایجاد می‌کند (محمودنژاد، ۱۳۸۰).

مسابقه جهانی تولید علم و دانش

فرانسیس بیکن از پایه‌گذاران اندیشه مدرن حدود ۳۰۰ سال پیش به این اعتقاد رسید که با کار و علم و فناوری می‌توان «راه مخفی به سوی بهشت» را کشف کرد. در دنیای معاصر دانش به صورت روزافزونی به یک «کالای» بین‌المللی تبدیل شده و نهادهای بزرگ تحقیقاتی به

«کارخانه‌های تولید دانش» مبدل شده‌اند. در پایان قرن بیستم به ویژه کمیت و کیفیت تولید و توزیع دانش در اداره جوامع مدرن اهمیتی غیرقابل انکار یافته است.

امروزه دانش که به صورتی نابرابر در جهان توزیع شده است، منبع اصلی قدرت و کنترل محسوب می‌شود. آگاهی یافتن از دانش و فرهنگ بومی در عرصه‌های مختلف از جمله محیط زیست، برای موفقیت ابتکارات مربوط به توسعه پایدار ضروری است و به ویژه باید دانست که هر تلاش برای رسیدن به پایداری، بدون مشارکت فعال مردم محلی به احتمال قوی به سرانجام نخواهد رسید (برهنم^۱، ۱۹۹۶: ۳۱۵). دانش منبع اصلی توسعه اقتصادی و صنعتی است و سایر عوامل سنتی تولید مانند زمین، نیروی کار و سرمایه در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارند (دراکر^۲، ۱۹۹۴).

رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به اهمیت این موضوع در بیانات خود به مسابقه جهانی تولید علم و دانش اشاره دارند و می‌فرمایند: «امروز بیش از دو میلیارد انسان در دنیا گرسنه‌اند! این شوخی است؟ امروز ملت‌هایی بر روی طلا راه می‌روند، ولی شکمشان گرسنه است. نظام جهانی نظام سلطه است؛ نظام استکبار است؛ نظام ظلم است. به چه وسیله آمریکا به اینجا رسید؟ چه طور توانست اینجور به دنیا زورگویی کند؟ چون دانش داشت و از دانش استفاده کرد. غربی‌ها در این مسابقه جهانی‌ای که در طول تاریخ وجود داشته، سوء استفاده کردند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵).

مقام معظم رهبری با تأکید بر این نکته مهم که علم در طول تاریخ در بین ملت‌های دنیا دست به دست گشته، به روند مسابقه جهانی تولید علم و دانش اشاره می‌کنند:

«شما هیچ ملتی را پیدا نمی‌کنید که از اول تا آخر، دانش در اختیار آنها بوده؛ نه، این یکی از سنت‌های خداست. در این مسابقه در بین جوامع بشری - ملت‌ها مسابقه دارند و از هم جلو می‌زنند - از لحاظ دانش یک وقتی شرق جلو بود، یک وقتی کشورهای اسلامی جلو بودند و یک وقتی بخصوص کشور ایران جلو بود؛ همین حالتی که امروز شما در بعضی از کشورهای غربی مشاهده می‌کنید که از لحاظ علم در رتبه بالایی هستند و دیگران باید سرشان را بالا کنند تا آنها را ببینند، یک روز کشور شما همین حالت را داشت و کشورهای اروپایی و کشورهای

۱ - Brohman

۲ - Drucker

شرقی و غربی باید به بالا نگاه می‌کردند تا می‌توانستند دانشمند ایرانی را ببینند؛ دانشمندان عظیمی که نه فقط در علم، حتی در فناوری - فناوری‌های متناسب با آن روز - از همه دنیا جلو بودند. یک روزی اینجوری بوده؛ یک روز هم غربی‌ها جلو افتادند «مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵».

اهمیت علم و فناوری در جهان امروز

عصر کنونی به درستی عصر علم و فناوری خوانده شده است. پیشرفت بشر در عرصه‌های مختلف دانش باعث شگفتی شده است؛ به طوری که با هر اختراع و کشف جدید، راه برای ده‌ها کشف و اختراع دیگر باز می‌شود. از رهگذر تحولات سریع فناوری، زندگی انسان طی چند دهه گذشته دچار دگرگونی‌های فراوان شده و او توانسته است زندگی راحت‌تر و مرفه‌تری برای خود فراهم کند. با پیشرفت علم، راه درمان بسیاری از بیماری‌ها شناخته شده و وسایل متعددی با استفاده از فناوری نوین ساخته شده است که اشخاص را در انجام کارها یاری می‌دهد.

بنابراین در جهان اطلاعاتی امروز، نقش علم و فناوری در جهت نوآوری و توسعه، موضوعی اجتناب‌ناپذیر است و پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. پژوهش و تولید علم و فناوری از مهمترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی کشور به حساب می‌آید. توفیق در این زمینه‌ها در صورتی محقق می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان کشور، توجه مناسبی به امر پژوهش و تولید علم و فناوری صورت پذیرد. تاکنون کشوری در جهان دیده نشده است که بدون توسعه همه جانبه علمی به توسعه اقتصادی و صنعتی برسد. بنابراین لازم است پژوهش و تولید علم و فناوری به عنوان یک مسأله حیاتی و نیروی محرکه پیشرفت و توسعه پایدار و رسیدن به رفاه و استقلال واقعی جامعه در اولویت قرار گیرد.

مقام معظم رهبری با توجه به اهمیت این موضوع، علم را مایه اقتدار ملی، قدرت ملی، ثروت ملی و سربلندی کشور می‌دانند و می‌فرمایند: «علم مایه قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگویی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگویی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سال‌ها

حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵). با ارتقای علم و فناوری می‌توان موقعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشید و افزایش نرخ رشد اقتصادی با بهره‌گیری از علم و فناوری، قابل حصول است و برای توسعه و پیشرفت کشور باید علم و فناوری پایه‌ای هم حرکت کنند و ورود فناوری پیشرفته باید همراه با پیشرفت علم صورت پذیرفت. بنابراین رهبر معظم انقلاب، حرکت علمی را برای کشور یک ضرورت مضاعف می‌داند: «حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزت و قدرت و امنیت یک ملت است ... لذا تلاش ما باید مضاعف باشد. پس، یک نیاز است و این نیاز مؤکد و مضاعف است» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

ایشان حرکت علمی را برای کشور یک نیاز مؤکد و مضاعف می‌دانند و علت آن را چنین بیان می‌کنند: «حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد. جمله‌ای در نهج البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند.» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

گفتمان پیشرفت علم و فناوری، برهم زنده سلطه علمی در جهان

برای توسعه و پیشرفت باید انحصار علمی در جهان را شکست و این مهم بدست نمی‌آید جز با گفتمان پیشرفت علم و فناوری؛ چرا که نظام سلطه علم را در انحصار خود می‌خواهد تا تنها چند کشور این ابزار مهم پیشرفت را در انحصار خود داشته باشند و مابقی مصرف‌کننده باشند؛ بنابراین برای توسعه و پیشرفت کشور باید این انحصار قدرت نظام سلطه در جهان را با گفتمان پیشرفت علم و فناوری شکست.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به وضع امروز جهان که قدرت‌هایی که دارای پیشرفت علمی

هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند، بر یک حرکت علمی برای به هم زدن این سلطه تأکید دارند. ایشان از این حرکت علمی بعنوان «گفتمان پیشرفت علم و فناوری» یاد می‌کنند: «در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش‌گذاری و نظام ارزشی، نقطه مقابل آن چیزی است که امروز سلطه‌گران غربی دنبالش هستند - و خب، موفق هم شده؛ از لحاظ سیاسی موفق شده؛ خودش را تثبیت کرده؛ علیه توطئه‌ها سی سال ایستادگی کرده و در ابعاد مختلف خودش را پیش برده - برای اینکه بتواند هدف‌های خودش را تأمین بکند - که آن هدف‌ها، هدف‌های والای انسانی است که هر انسانی آنها را قبول دارد - باید دنبال علم برود؛ این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلاء بدهیم، امکان مقابله با آن قدرت‌ها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵).

تأکید رهبری بر تولید علم و فناوری

توسعه بدون علم تحقق نمی‌یابد. اگر توسعه را ساماندهی تعالی‌بخش و دستیابی به پیشرفت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی، فناوری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بدانیم؛ این امر بدون داشتن سطح علمی مورد نیاز و دانش مربوطه میسر نیست. انفجار سه پدیده فناوری اطلاعات، اینترنت و جهانی شدن، سایه خود را بر مدیریت تولید گسترانیده است و در لوای این فرصت‌ها می‌توان مدیریتی شگرف و هوشمند را بر عرصه تولید علم بنا نهاد.

با توجه به این موضوع رهبر معظم انقلاب اسلامی بر تولید علم تأکید ویژه‌ای دارند؛ «امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعت‌مان بیشتر باشد، باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راه‌های میان‌بر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه علوم تولید داشته باشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

تکنولوژی سرعت تولید علم را افزایش می‌دهد و آن را در چرخه اقتصاد سریع‌تر وارد می‌کند، هر چقدر تولیدات علمی بیشتر باشد، در اقتصاد جامعه اثربخش‌تر خواهد بود. اقتصاد قوی باعث تولید انبوه و اشباع بازار می‌شود، بازار وقتی اشباع شود آنگاه رقابت معنی پیدا می‌کند. در رقابت اقتصادی، علم ارزش و جایگاه خود را بیشتر مستحکم می‌کند.

مقام معظم رهبری در چرایی تولید علم می‌فرماید: «اگر علم به یک دلیل تاریخی - که آن دلیل تاریخی را هم فکر می‌کنیم کاملاً می‌شناسیم - در انحصار مجموعه‌ای از ملت‌ها و بخشی از مردم دنیا قرار گیرد و این‌ها علم را انحصاری نگهدارند و تبعیض قائل شوند و علم را به ملت‌های دیگر بفروشند و آن را وسیله‌ای برای تحمیل سیاست‌های خودشان قرار دهند - که استعمار اصلاً از همین نقطه به وجود آمد - این، ظلم بزرگ به بشریت است. علم باید مثل ثروت، عادلانه توزیع شود. نظر اسلام هم همین است که علم باید بین همه کشورها و ملت‌ها توزیع شود. این که ما این فناوری را نایستی به مردم آسیا یا جاهای دیگر بدهیم، همان طلبیدن انحصار فناوری است که وقتی در اقتصاد پیش می‌آید، کارتل‌های عظیم اقتصادی به وجود می‌آید و آنها به انسان‌ها ظلم می‌کنند؛ وقتی در سیاست پیش می‌آید، انحصارگری‌های جهانی پیش می‌آید و این جنگ‌ها را پیش می‌آورد. ما می‌خواهیم با این انحصارگرایی مبارزه کنیم و مبارزه و همت ما هم به این است که خودمان سعی کنیم از این چاه و منبع عظیم و غنی‌ای که در میان کشور و در نیروی انسانی خودمان داریم، بهره‌برداری و استفاده نماییم. این کار را همه ملت‌ها می‌توانند بکنند و ملتی که استعداد بیشتری دارد، بیشتر می‌تواند در این زمینه کار کند. البته مانع و مشکل ایجاد می‌کنند؛ باید با این مانع و موانعی که به‌طور قهری وجود دارد، مبارزه کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۱/۲).

تولید ثروت و کسب درآمد از راه تولید علم

راز توسعه در دانش نهفته است و این نکته‌ای است که مقام معظم رهبری در بیانات خود به آن اشاره دارند: «روزی که کسب درآمد از دانش، جایگزین نفت شود، روز خوب ملت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵).

اقتصاد امروز دنیا، اقتصاد دانش بنیان است و دانش، منشأ ثروت است؛ لذا در الگوی توسعه مورد نظر رهبری، علم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و علم باعث تولید ثروت و کسب درآمد می‌شود و یک رابطه هم افزایی میان علم و ثروت برقرار است.

رهبر معظم انقلاب معتقدند که باید از علم، تولید ثروت کنیم و از همان ثروت نیز برای پیشرفت علم بهره بگیریم: «آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاه‌های نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان می‌خوریم. بیشتر بودجه کشور از نفت است. نفت ذخیره ماست. گنجینه‌مان را داریم تخلیه می‌کنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود، ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. یک هم‌افزایی بی در پی دارند: علم به ثروت کمک می‌کند، ثروت به علم کمک می‌کند؛ دائماً هم‌افزایی به وجود می‌آید. ما باید دنبال این روز باشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵).

کدام علم؟

هر چند افزایش آگاهی و گسترش دامنه علوم برای تولید ثروت و کسب درآمد یک امر حیاتی است اما در عین حال باید این پیشرفت به مسیری صحیح هدایت شود. به گواهی تاریخ، در موارد متعدد از علم و دانش، بر علیه خود انسان استفاده شده است. زمانی که علم بدون ضابطه‌های اخلاقی در دست زورمندان و ستمگران باشد، به راحتی به سلاحی خطرناک علیه بشریت تبدیل می‌شود. همچنانکه امروزه بسیاری از سلاح‌های کشتنده و مرگبار با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری ساخته شده‌اند، لذا رهبری همراهی علم و معنویت را لازم می‌دانند. زمانی که رهبر معظم انقلاب بر حرکت علمی و تولید علم در کشور اشاره می‌کنند، بر نوع اسلامی علم که ما را به معنویت، انسانیت و خدا نزدیک می‌کند، نیز تأکید دارند؛ «ما می‌خواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربی‌ها علم را دارند، اما در کنار علم و آمیخته با این علم چیزهایی را هم دارند که از آنها می‌گریزیم. ما نمی‌خواهیم غربی بشویم؛ ما می‌خواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیایی که عالم محسوب می‌شود، علم خطرناکی برای بشر است. علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملت‌ها، در خدمت استعمار، در خدمت خونریزی و جنگ قرار داده‌اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم؛ ما اینجور عالم شدن را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد، در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما اینجور علمی می‌خواهیم. اسلام به ما این علم را توصیه می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

روابط بین کشورها در زمینه علم

از دیدگاه رهبری روابط بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد، ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «رابطه بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می‌شود و احساس غبن می‌کند، در زمینه علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد می‌کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. و الا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرا بگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

مدل پیشرفت از دیدگاه رهبری

در حکومت اسلامی، تزکیه و رشد اخلاقی و معنوی افراد جزء اهداف بالادستی حکومت قرار دارد؛ یعنی همه فعالیت‌ها در نهایت برای رسیدن به جامعه‌ای است که افراد آن از نوعی تهذیب نفس و معنویت برخوردار باشند. هرگونه طراحی مدل توسعه، بدون توجه به این سیاست جایگاهی در نظام جمهوری اسلامی ندارد و اگر آبادانی همه‌جانبه کشور منجر به رشد معنویت و اخلاق نشود، ارزشمند نخواهد بود. بنابراین در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی مدل توسعه‌ای مطلوب است که منجر به رشد اخلاقی و معنوی افراد جامعه باشد.

مدل پیشرفت از دیدگاه رهبری، الگویی است که انسان در سایه آن به رشد و تعالی برسد و تحقیر نشود، لذا ایشان الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را توصیه می‌کنند: «ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوئیم اسلامی و چرا می‌گوئیم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوئیم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

در این الگوی پیشرفت، باید تحول را مدیریت کرد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید

کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش ببرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

تأکید رهبر معظم انقلاب بر آن است که الگوی توسعه باید براساس معیارهای اسلامی انتخاب شود. ایشان به مسئولین و نخبگان توصیه می‌کنند که تحول و آبادانی در ایران را برپایه چنین الگویی پایه‌ریزی کنند و تأکید می‌کنند که ما می‌توانیم از پیشرفت‌ها و تجربیات علمی غربی‌ها استفاده کنیم، اما باید براساس فکر و نیاز خودمان برنامه‌ریزی کنیم.

رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «من می‌خواهم بگویم مجموعه دانشگاهی کشور ما، مجموعه نخبگان کشور ما - هم حوزه و دانشگاه - یکی از بزرگترین کارهایشان باید این باشد که نقشه جامع پیشرفت کشور را براساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدل‌سازی‌های غربی نسپرند. او نمی‌تواند کشور را نجات بدهد؛ او نمی‌تواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر می‌کنند، دنبال این نباشند که فرمول‌های غربی را؛ فرمول‌های اقتصادی غرب، فرمول‌های بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده می‌کنیم؛ ما تعصب نداریم، هر جا پیشرفت علمی، تجربه علمی باشد، استفاده می‌کنیم. از مصالح استفاده می‌کنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

متأسفانه امروزه، در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از افراد، حتی در میان روشنفکران، راه رشد کشورشان را تبعیت از الگوی غربی می‌دانند. اما رهبر انقلاب اسلامی ایران با قاطعیت الگوی پیشرفت غربی را یک الگوی ناموفق می‌داند و با برشمردن دلایلی، الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه ما ناکافی می‌داند؛ «آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه خودمان ناکافی بدانیم، در درجه اول این است که نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، به کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله انسان است، در منطق فلسفه غرب معنای دیگری پیدا می‌کند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هر چه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر

شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

مقام معظم رهبری مدل‌سازی و الگوسازی برای پیشرفت را وظیفه نخبگان جامعه می‌داند و در این خصوص به نخبگان توصیه می‌کنند: «مدل‌سازی و الگوسازی، کار خود شماست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان‌ها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخش‌های مختلف شکل بگیرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

الگوی توسعه از نگاه رهبری

الگوی توسعه رهبری با عدالت همراه است، چرا که عدالت عامل قوام و پایداری جامعه و از عوامل مهم رشد و توسعه است. توسعه مطلوب توسعه منجر به پایداری جامعه است. اگر توسعه منجر به شکاف عمیق اقتصادی و فرهنگی و سیاسی شود، این توسعه برای جامعه خطرناک است و پایداری جامعه را متزلزل می‌کند. لذا رهبری معظم انقلاب، مدل توسعه‌ای را طلب می‌کند که مبتنی بر عدالت بوده و نتیجه آن اجرای عدالت و در نتیجه پایداری و قوام جامعه باشد:

«باید توجه کنیم که ما هم توسعه‌محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند این‌ها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد، هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۶/۴)

.)

یکی از پایه‌ها و استوانه‌های نگهدارنده هر اجتماعی، عنصر عدالت است و هیچ عاملی به اندازه عدالت نمی‌تواند جامعه انسانی را اصلاح کند و اگر عدالت اجرا نشود، به جای آن ستم و ستمگری پیاده خواهد شد.

افلاطون می‌گوید: «عدالت آن است که کسی آن چه حق اوست به دست آورد و کاری را در پیش گیرد که استعداد و شایستگی آن را داشته باشد ... عدالت، قدرت نیست، بلکه قدرت انتظام و هماهنگی است.» او همچنین می‌گوید: «فقط عدالت است که می‌تواند موجب خوشبختی شود.» (گاتری، ۱۳۷۸: ۳۸).

نبود عدالت اجتماعی در جامعه، کلید پیدایش خلاف کاری، مفاسد و آسیب‌های اجتماعی است. خشونت، تجاوز، نبود امنیت اجتماعی، پیدایش نابسامانی‌های روانی و ... از جمله آثار شوم فقدان عدالت اجتماعی است. حتی فقدان عدالت اجتماعی می‌تواند در پیدایش اندیشه‌های انحرافی و غلط، نقش مهمی داشته باشد. لذا در الگوی توسعه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسأله «عدالت اجتماعی» تأکید می‌شود: «آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسأله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصور می‌کردند - شاید حالا هم تصور کنند - که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر، اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه، مقدمه عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمی‌توانند. خرابی‌ای که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیق‌تر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را برطرف کرد، و الا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۶/۸).

تبیین نمای کلی پیشرفت از نگاه رهبری

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر تبدیل مسأله پیشرفت و عدالت در دهه چهارم به یک گفتمان ملی به تبیین نمای کلی پیشرفت می‌پردازند و نکات ارزشمندی را در این خصوص متذکر می‌شوند:

۱- از پیشرفت نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود

در الگوی توسعه غربی، عدم توجه به کرامت انسانی و بی‌ارادگی آدمی در برابر ماشینیزم به خوبی مشهود است. این مهمترین وجه تمایز مدل توسعه غربی با توسعه اسلامی است. در اسلام، همگرایی و همسویی اخلاق با اقتصاد و توسعه، سبب می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی، جهت و هدفی معقول بیابد.

از آنجا که الگوهای توسعه غربی در کشورهای در حال توسعه با پیش‌فرض‌ها و تعاریف مادی از انسان و جامعه و تاریخ به تدریج افراد جامعه را با ارزش‌های و آرمان‌های غربی هماهنگ می‌نماید، بسترهای نفوذ را هم برای سلطه به آن کشورها مهیا می‌کند و آنها را مصرف‌کننده بار می‌آورد. با توجه به اهمیت این موضوع، پیشرفت از نگاه رهبری، توسعه به مفهوم رایج غربی نیست: «امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نیابستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

در الگوی توسعه غربی بر اصالت ثروت و رفاه به هر قیمت تأکید می‌شود و عدالت و اخلاق صرفاً ابزاری برای کسب سود بیشتر و رسیدن به رفاه است. اما الگوی پیشرفت مدنظر رهبری مبتنی بر عدالت است و هدف آن فقط افزایش تولید ناخالص داخلی نیست، بلکه توزیع عادلانه درآمد و در یک کلام اقتصاد اخلاقی عدالت‌محور، هدف اصلی است.

مقام معظم رهبری مجموعه غربی شدن یا توسعه‌یافتگی در اصطلاح غربی را که مجموعه‌ای از ضدارزش‌ها را داراست، مطلقاً قبول نمی‌کنند و می‌فرمایند: «غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. خوب، در وهله اول انسان خیال می‌کند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌یافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور

غربی! با همه خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه رفتار و کارها و شکل و قواره کشورهای توسعه‌یافته غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما این‌ها را یاد هم بگیریم، یاد می‌گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می‌کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه غربی شدن، یا توسعه‌یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۲- پیشرفت برای همه کشورها، یک الگوی واحد ندارد

باید توجه داشت که شرایطی که کشورهای پیشرفته و صنعتی دارند، با شرایط کشورهای در حال توسعه بسیار متفاوت است. همچنین هر یک از کشورهای در حال توسعه نیز از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی برخوردارند، لذا ممکن نیست برای تمام این کشورها یک الگوی پیشرفت و توسعه ارائه داد. کشورهای در حال توسعه نباید همان راه کشورهای پیشرفته را بپیمایند چرا که کشورهای پیشرفته شرایط و زمینه‌های لازم را برای توسعه دارا بوده‌اند، در حالی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از این شرایط و زمینه‌ها برای پیشرفت و توسعه برخوردار نیستند. گونار میردل در این مورد می‌گوید: «کشورهای توسعه‌نیافته نباید تئوری‌های به ارث رسیده از ما را بصورت پیش‌فرض قبول کنند، بلکه آنها را بایستی بازسازی کرده و با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی خود در راستای منافع و منطبق با مشکلاتشان بکار گیرند»

مقام معظم رهبری معتقدند که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد: «پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزاء آن الگو را در

خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه پیشرفت آمریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی - کشورهای اسکاندیناوی، که آنها یک نوع دیگری هستند - هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، هنر ایرانی باید این باشد که بتواند مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط کشور پیدا کند، لذا ایشان بر مدل «توسعه بومی و غیرتقلیدی» تأکید دارند: «ما دنبال چه نوع توسعه‌ای هستیم؟ این نکته اساسی در بحث‌های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارد و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هر جا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۳- مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد

جامعه‌شناسان معتقدند توسعه مطلوب باید در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صورت گیرد و از آنجا که محور این توسعه، انسان است؛ هدف آن نیز باید رفع نیازهای مادی و معنوی او باشد. بدیهی است توجه به نیازهای مادی بدون در نظر گرفتن خواسته‌های معنوی و روحی، شرایط ناهنجاری را فراهم خواهد کرد. از سوی دیگر توسعه در هر جامعه‌ای باید متناسب با هنجارهای معمول و مقبول همان جامعه باشد. هر ملتی دارای ویژگی‌ها، عقاید و نگرش‌های خاص خود در مورد جهان هستی و انسان و زندگی است و شخصیت تاریخی‌اش از مجموعه این عوامل، شکل گرفته است. از این رو، این ویژگی‌ها باید در فرایند توسعه مد نظر قرار گیرد؛ چرا

که در غیر این صورت، ابزارهای فرهنگی وارداتی، نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه را مورد تهدید قرار خواهد داد.

بنابراین در تبیین الگوی پیشرفت رهبری باید این نکته را مورد توجه قرار داد که از نظر اسلام، انسان به عنوان محور توسعه مطرح است که با دیدگاه غرب در این مورد تفاوت دارد. انسان مسلمان در بعد فردی، باید راهی صحیح را به سوی خداوند بپیماید و در مسیر خودسازی و تهذیب نفس و کسب تقوا بکوشد. هر چند در مکاتب غربی نیز به انسان اهمیت داده شده است، اما برداشت آن‌ها از انسان با نگاه اسلام، متفاوت است. در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کامجویی و بهره‌مندی از لذایذ زندگی است و ثروت، قدرت و علم هدف هستند. لذا محور پیشرفت و توسعه در غرب، «انسان سودمحور» است و هر چه سود مادی بیشتر باشد، پیشرفت بیشتر می‌شود؛ اما در جهان بینی اسلامی، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌ای برای تعالی انسان هستند و پیشرفت مادی تنها به عنوان وسیله، مطلوب است و هدف اصلی، رشد و تعالی انسان است.

با توجه به این نکته مهم از نگاه رهبر معظم انقلاب، مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد، لذا ایشان می‌فرمایند: «هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی، تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، یک روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سر تا پا فرنگی بشویم و اروپائی بشویم، او توجه نکرد که اروپا یک سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی‌ای دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضاً مورد قبول ما نباشد و آنها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۴- از نقاط اشتراک الگوی توسعه اسلامی با توسعه غربی غفلت نکنیم

انقلاب، ابتکار، انضباط و شجاعت از جمله ویژگی‌های مثبت توسعه غربی است که می‌توان در الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی آنها را لحاظ کرد به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب بر یادگیری نقاط اشتراک الگوی پیشرفت اسلامی با توسعه غربی تأکید دارند؛ «ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقطه اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه یافته غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیات و خصال خوب اروپائی هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۵- پیشرفت با پسوند عدالت

از مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه اسلامی، عدالت محوری است. اسلام معتقد است که هیچ عاملی به اندازه عدالت، نمی‌تواند نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی را اصلاح کند. فقدان عدالت، کلید پیدایش بزهکاری، مفاسد و آسیب‌های اجتماعی است. خشونت، تعدی، عدم امنیت اجتماعی و پیدایش معضلات روانی از جمله آثار بی‌عدالتی است.

اسلام، عدالت را همسو و همگام با توسعه می‌داند و سیستم اقتصادی اسلام به گونه‌ای است که اجرای اصول و اهداف آن، به تحقق عدالت کمک می‌کند. به عبارتی عدالت در بطن برنامه‌های اقتصادی و اهداف توسعه اسلام نهفته است. عدالت بدون پیشرفت منجر به برابری در فقر خواهد شد و پیشرفت بدون عدالت هم هرگز مطلوب نخواهد بود، زیرا در کنار رفاه و پیشرفت جامعه باید فاصله‌های طبقاتی کم شود. بنابراین مدل پیشرفتی می‌تواند برای یک جامعه کارآمد باشد که با پسوند عدالت همراه باشد.

از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، افزایش درآمد ناخالص ملی نمی‌تواند به تنهایی نشانه پیشرفت باشد، بلکه چگونگی تقسیم و توزیع این درآمد در جامعه مهم است. ایشان در این خصوص مثال خوبی مطرح می‌کنند: «فرض بفرمائید یکی از شاخص‌های مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشور هاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش

درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی‌تواند نشانه پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدم‌هایی شب توی خیابان می‌خوابند و با گرمای چهل و دو درجه هوا عده زیادی شان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلاً در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که اینها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسان‌هایی وجود دارند که بی سرپناه زندگی می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست.»

چنان که می‌بینیم مدل توسعه مورد نظر رهبری، الگویی است که منجر به افزایش ثروت ملی شود. یعنی در صورت اجرای آن مدل برآیند ثروت عمومی کشور و ثروت آحاد مردم افزایش یابد. به عبارتی توسعه باید طوری طراحی شود که مردم در سایه اجرای آن از وضعیت پایین دستی ثروت به وضعیت بالادستی ثروت منتقل شوند، بطوری که علاوه بر تأمین نیازهای مصرفی منجر به ذخیره‌سازی ثروت نیز بشود. بدیهی است که افزایش ثروت ملی در سایه افزایش تولید ملی صورت خواهد گرفت. بنابراین توسعه باید تولیدمحور باشد تا بتوان به ثروت ملی افزود. توسعه اگر منجر به ثروت‌اندوزی بخش خاصی از جامعه شود، توسعه متوازن و عادلانه نیست؛ توسعه باید بر ثروت آحاد مردم بیفزاید. مقام معظم رهبری دلیل تأکید بر پیشرفت با پسوند عدالت را این‌گونه بیان می‌دارند: «اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را تک‌ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی می‌داند - به کلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

پیش فرض‌های پیشرفت علمی

پیشرفت‌های علمی بر توانایی کشورها در زمینه‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. این واقعیت در دوره کنونی که عصر انفجار اطلاعات نام گرفته، بیش از هر زمان دیگر مشهود است. به عبارتی عدم پیشرفت علمی، به معنای عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی کشورهاست. لذا مقام معظم رهبری بر پیشرفت علمی در کشور تأکید دارند و پیش فرض‌هایی را برای آن برمی‌شمارند:

۱- پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور است

پیش فرض اول پیشرفت علمی از نگاه رهبر معظم انقلاب این است که پیشرفت علمی را ضرورت حیاتی کشور در علوم مختلف بدانیم. با این دیدگاه می‌توان به پیشرفت دست یافت.

۲- نباید ما در مسئله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم

برخی از جوامع اسلامی، برای رسیدن به کاروان توسعه جهانی، با شتابزدگی عمل کردند و در پی آن، بسیاری از هنجارهای فرهنگی آنها تغییر کرده و یا متزلزل شد. با مطالعه دقیق تاریخ و تجربیات جوامع اسلامی، می‌توان به این باور رسید که توسعه این کشورها، تنها از درون این جوامع و با توجه به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی اسلام امکان‌پذیر است. بنابراین مقام معظم رهبری پیش فرض دوم پیشرفت علمی را در عدم وابستگی به غرب در تولید علمی می‌دانند و می‌فرمایند: «پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسأله است، تولید علم یک مسئله دیگر است. نباید ما در مسأله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد، در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه قطعی این چنین پیشروی‌ای است و این جایز نیست. بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را بجوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده می‌کند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

۳- خودباوری، مقدمه موفقیت علمی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، اندیشمندان، دانشگاهیان و فرهیختگان کشورهای در حال توسعه، قبل از هر چیز باید به این باور برسند که می‌توانند به پیشرفت‌های قابل ملاحظه علمی دست یابند چرا که مقدمه هر موفقیت علمی، خودباوری و اتکاء به توانایی‌ها و استعداد‌های خود است. بدون خودباوری، کسی وارد میدان تلاش برای نوآوری در علم و فناوری نمی‌شود و ترجیح می‌دهد از دستاوردهای دیگران استفاده کند.

ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت ثانیاً؛ حرکت جهادگونه ثالثاً؛ همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پسندیده ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه حرکت علمی ما را تشکیل بدهد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

۴- «خطر پذیری» و «سخت کوشی» دو عامل تأثیرگذار در پیشرفت‌های علمی

رهبر انقلاب اسلامی، دو عامل تأثیرگذار در پیشرفت‌های علمی ملل و جوامع را «خطرپذیری» و «سخت کوشی» برمی‌شمارند. این عوامل هم در گذشته و هم در زمان حاضر، در پیشرفت و توسعه جوامع نقش آفرین بوده‌اند.

ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «در این حرکت، تنبلی و تن‌آسائی و محول کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

آنچه مقام معظم رهبری تحت عنوان خطرپذیری مطرح می‌نماید، به معنی نهراسیدن از عدم موفقیت و حرکت به جلو است. ایشان شرط پیشرفت را، شجاعت و شهامت علمی می‌داند و می‌فرماید: «نقطه مقابل خطرپذیری، ترس است. ترس از چه؟ ترس از عدم موفقیت، وارد نشویم که مبادا موفق نشویم، حرکت نکنیم که مبادا نرسیم، اقدام نکنیم که مبادا مورد قبول قرار نگیرد یا برای ما مشکلات ایجاد کند، اینها همه‌اش نقطه مقابل خطرپذیری است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

بنابراین، برای پیشرفت در عرصه دانش، باید خطر شکست‌های مقطعی را پذیرفت و ناامید نشد.

نگاهی به سرگذشت دانشمندان و مخترعان برجسته جهان نشان می‌دهد که آنها در تلاش علمی خود، بارها دچار شکست و ناکامی شده‌اند، اما مأیوس نشدند و به راه خود ادامه دادند تا به موفقیت‌های بزرگ دست یافتند.

عامل دیگر موفقیت‌های علمی، تلاش فراوان، سخت‌کوشی و جدیت است. اصولاً موفقیت و پیشرفت با راحت‌طلبی و تنبلی ناسازگار است و کسی که در پی کشف مجهولات علمی و یا اختراع یک وسیله جدید است، باید تلاش و پشتکار فراوان داشته باشد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «نگذارید تنبلی و راحت‌طلبی و تن دادن به زندگی دور از مشکل، شما را وسوسه کند. اگر این حالت تنبلی وجود داشت، هیچکدام از این کشفیات مهم علمی بوجود نمی‌آمد. شرح حال این کاشفان و مخترعان بزرگ را ببینید، چطور خواب را بر خود حرام کردند، سختی‌ها را برای خود هموار کردند، با مشکلات ساختند و رفتند تا به نقطه اصلی در پیشرفت رسیدند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

الزامات پیشرفت در دهه چهارم

رهبر معظم انقلاب اسلامی دهه آینده - که امسال اولین سالش بود- را بعنوان دهه پیشرفت و عدالت اعلام کردند. ایشان معتقدند که در دهه چهارم باید دو شاخص عمده «پیشرفت» و «عدالت» را بدست آوریم: «برای دهه چهارم - برای این دهه سالی که پیش روی ماست - دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً بدست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظام‌های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۱/۰۱).

از دیدگاه مقام معظم رهبری برای رسیدن به پیشرفت و عدالت در دهه چهارم باید الزامات ذیل را در نظر بگیریم:

۱- ترسیم نقشه جامع علمی در کشور

نقشه جامع علمی کشور عبارتست از مجموعه‌ای جامع، هماهنگ و پویا از اهداف، سیاست‌ها، ساختارها و الزامات برنامه‌ریزی تحول‌راهبردی علم، فناوری و نوآوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی و آینده‌نگر برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله کشور. بنابراین رهبر معظم انقلاب اسلامی بر ترسیم یک نقشه جامع علمی در کشور تأکید دارند و

می‌فرمایند: «تقسیم توان در برنامه‌ریزی رشته‌های گوناگون علمی، یک تقسیم عادلانه و صحیح و منطبق با نیاز کشور نیست. یک جاهایی ما رشته‌های چشمگیری داریم، یک جاهایی اصلاً حرکتی مشاهده نمی‌شود! این غلط است. این ناشی از نبود نقشه جامع علمی است. درست است که در هر رشته‌ای ما پیشرفت بکنیم، مغتنم است و برای کشور ما که سال‌های متمادی، ده‌ها سال در دوران حاکمیت طواغیت، از کاروان علمی بشر عقب مانده است، هر جایی دستمان به هر چیزی از ثمرات علم و پیشرفت‌های علمی بند شد، مغتنم است؛ در این تردیدی نیست؛ اما اگر می‌خواهیم کشور رتبه علمی به معنای واقعی کلمه پیدا کند و علم در کشور نهادینه بشود، ما بایستی در رشته‌های گوناگون علمی - چه در آموزش، چه در پژوهش - توازن و تعادل صحیح و واقعی و عادلانه‌ای ایجاد بکنیم؛ این جزء نیازهای ماست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸).

با توجه به تأکیدات معظم له، شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیش‌نویس نهایی نقشه جامع علمی کشور را تهیه کرده است که در طراحی فرآیند تهیه و تدوین نقشه علمی از یک الگوی سه بعدی مشتمل بر سه حوزه کمیت‌های تخصصی موضوعی، فرایند علم و فناوری و فعالیت‌های پشتیبان استفاده گردیده است.

نمودار ۱- الگوی تهیه و تدوین نقشه جامع علمی کشور



۲- تحقیق و پژوهش

از آنجا که تحقیق و توسعه^۱ فرآیندی است که موجب پویایی تکنولوژی شده و آنرا با محیط سازگار می‌نماید، لذا باید جزء الزامات پیشرفت قرار بگیرد.

مقام معظم رهبری علم را پایه اصلی دهه پیشرفت و عدالت می‌دانند و به انجام تحقیق و پژوهش در باب علم تأکید دارند: «عنوان دهه پیشرفت - به پشتگرمی پیشرفت‌هایی بوده که در کشور از لحاظ علمی دیده شده. یعنی این امید به وجود آمده که ما می‌توانیم در ظرف یک دهه، یک پیشرفت چشمگیر، یک حرکت سریع در زمینه‌های علمی داشته باشیم که بخشی از عقب‌ماندگی‌های ما را جبران بکند. بنابراین مسأله علم مهم است. در باب علم و تحقیق، آن بخش عمده هم مربوط به تحقیق است؛ مربوط به پژوهش است» (مقام معظم رهبری، ۸/۶/۸۸).

رهبر معظم انقلاب تحقیق و پژوهشی را در دهه پیشرفت و عدالت مؤثر می‌دانند؛ «پژوهش اولاً مورد اهتمام قرار بگیرد، ثانیاً سمت و سوی پرداختن به نیازهای کشور را پیدا کند. یعنی حقیقتاً پژوهش‌هایی بکنیم که مورد نیاز ماست. من بارها هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی به آن دوستان عرض کرده‌ام، ... ما ملاک پیشرفت علمی‌مان را درج مقالات در مجلات آی.اس.آی نباید قرار بدهیم. ما نمی‌دانیم آنچه که پیشنهاد می‌شود، تشویق می‌شود برایش، آن مقاله‌نویس احترام می‌شود، دقیقاً همان چیزی باشد که کشور ما به آن احتیاج دارد. ما خودمان باید مشخص کنیم که درباره چی مقاله می‌نویسیم، درباره چی تحقیق می‌کنیم. البته انعکاس در مجامع جهانی لازم است، ضروری است؛ و انعکاس هم پیدا خواهد کرد. مقصود این است که ما پژوهش را تابع نیاز خودمان قرار بدهیم» (مقام معظم رهبری، ۸/۶/۰۸/۱۳۸۸).

۳- الگوی پیشرفت بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد

استقلال و خوداتکایی از عوامل مؤثر در توسعه می‌باشند. اسلام انسان‌ها را به نفی سلطه‌پذیری فرامی‌خواند و در دیدگاه آن، توسعه واقعی با خودکفایی رابطه‌ای نزدیک دارد. عزت و سربلندی هر جامعه‌ای در گرو عدم وابستگی آن به دیگران است. رهبر معظم انقلاب اسلامی بر این نکته مهم تأکید دارند که هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد و این الزام را یک شاخص در الگوی توسعه می‌دانند و می‌فرمایند:

«هر الگویی از الگوهای طراحی شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی‌شود. امروز هستند کشورهای - بخصوص در آسیا- که از لحاظ فناوری، از لحاظ دانش، از لحاظ مصنوعات، پیشرفت‌های ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده‌اند؛ اما وابسته‌اند، وابسته‌اند. ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند؛ نه در سیاست‌های جهانی، نه در سیاست‌های اقتصادی عالم و نه در طراحی‌های مهمی که در عرصه بین‌المللی مورد توجه است. دنباله‌روند؛ غالباً هم دنباله‌رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۴- نظریه پردازی کنید

رهبر معظم انقلاب یکی دیگر از الزامات پیشرفت را نظریه پردازی در نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب می‌داند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه‌شناس این جوری گفته؛ این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید؛ از موجودی این دانش‌ها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۵- مبارزه کنید

مقام معظم رهبری یکی دیگر از الزامات پیشرفت را مبارزه می‌داند: «اگر می‌خواهید پیشرفت کنید، باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دست‌ها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدان‌های بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهمتر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۶- ترویج خودباوری در دانشگاه‌ها

کشورهای استعمارگر می‌کوشند ضمن دستیابی به منابع طبیعی کشورهای ضعیف، آنها را از رسیدن به پیشرفت و توسعه باز دارند. یکی از شیوه‌های آنها، محروم کردن این جوامع از اعتماد

به نفس و از بین بردن قدرت ابتکار و خلاقیت در آنهاست. چرا که احساس حقارت در جوامع، ساختار روحی و روانی آنها را در هم می‌ریزد و آنها طعمه‌ای سهل‌الوصول برای هر نوع تهاجم خارجی می‌شوند. بدیهی است وقتی ملتی، ارزش‌های والای خویش را از دست بدهد، دچار سرگستگی و فروپاشی می‌شود و این امر زمینه را برای سلطه خارجی مهیا می‌سازد. کشورهای پیشرفته از این طریق، سیطره سیاسی و اقتصادی خود را بر جوامع دنبال می‌کنند.

بنابراین یکی دیگر از الزامات پیشرفت در دهه چهارم، ترویج خودباوری است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص به دستگاه‌های مدیریتی و اساتید توصیه می‌کنند که در داخل دانشگاه‌ها خودباوری را ترویج کنند. «توصیه این است که هم دستگاه‌های مدیریتی، هم اساتید، در داخل دانشگاه‌ها خودباوری را ترویج کنید. جوانی که تحت تربیت و تحت آموزش و تعلیم شماست، باید به خود اعتماد داشته باشد - آن اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم. بحث این نیست که شخصی به خودش اعتماد دارد، بحث این است که ما به خصال ملی خودمان، به امکانات ملی خودمان، به ذخائر فرهنگی خودمان، یک اعتماد به نفس عمومی داشته باشیم که به آن گفتیم اعتماد به نفس ملی - این حالت بایست در یکایک جوان‌های ما بروز پیدا کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

۷- تشخیص نیازها و اولویت‌های علمی

از دیگر الزامات پیشرفت در دهه چهارم از نگاه رهبری، تشخیص نیازها و اولویت‌های علمی کشور است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «نیازها و اولویت‌های علمی را ما تشخیص بدهیم و این را در برنامه‌ریزی‌های آموزشی‌مان دخالت بدهیم. حالا درباره علوم انسانی، درباره علوم پایه، درباره بخش‌های مختلفی از علوم تجربی یا سطوح مختلفی از تحقیق ممکن است یک اولویت‌هایی در مطالعه و بررسی کامل آشکار بشود؛ اینها باید ملاحظه بشود و در برنامه‌ریزی‌ها دخالت داده بشود. ما با امکانات محدود و با نیازهای فراوان، نباید به خودمان اجازه بدهیم که در کاری که از اولویت برخوردار نیست، سرمایه‌گذاری فکری و پولی و وقتی و انسانی بکنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

۸- کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات

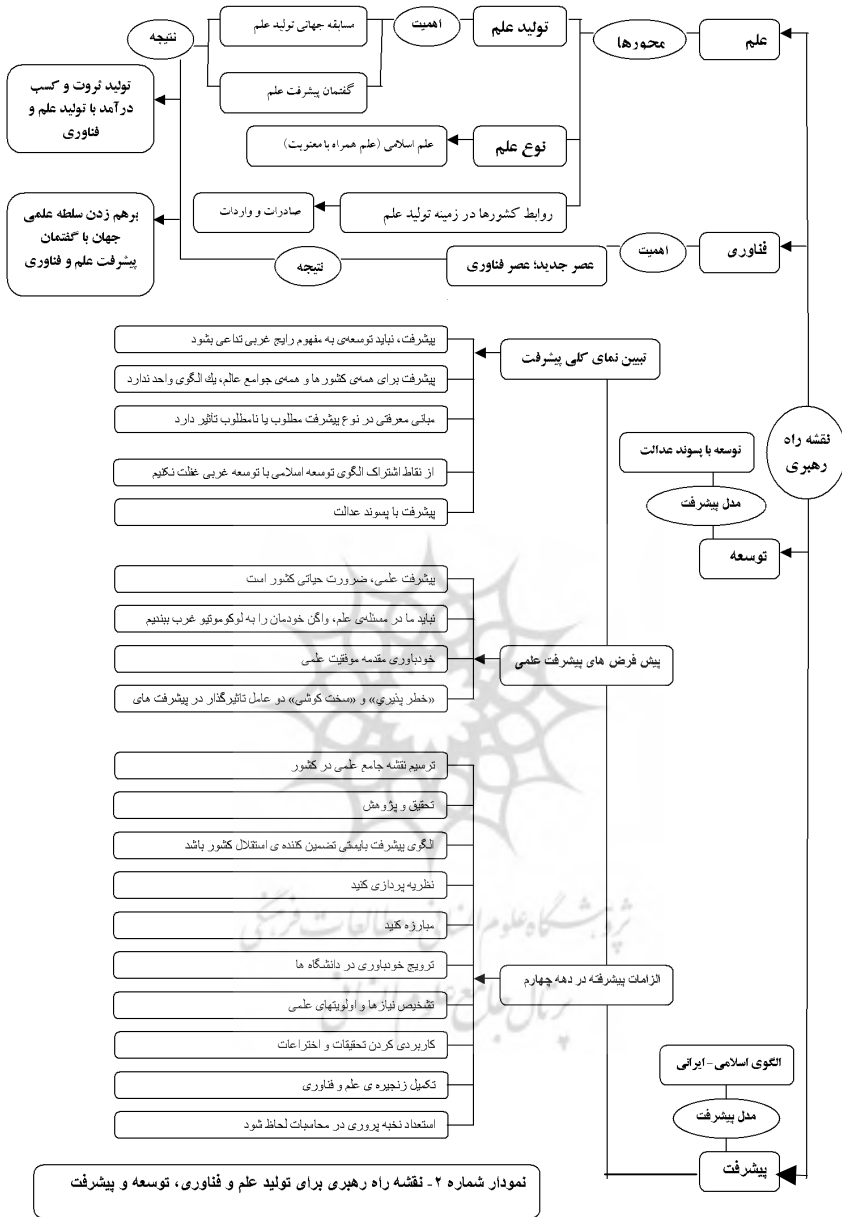
مقام معظم رهبری کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات را از دیگر الزامات پیشرفت علمی می‌دانند: «مسئله کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات جزو چیزهایی است که من رویش تکیه دارم. ما ممکن است یک تحقیقاتی بکنیم، در یک پروژه تبلیغاتی به جاهای خوبی هم محقق ما برسد؛ اما این در وضع کشور، در جهت رشد و توسعه کشور نقشی نداشته باشد؛ یعنی نتواند به ثروت ملی تبدیل شود. ما باید علم‌مان را بتوانیم به ثروت ملی تبدیل کنیم. این، تلاش لازم دارد، برنامه‌ریزی لازم دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

۹- تکمیل زنجیره علم و فناوری

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «ما باید زنجیره علم و فناوری را تکمیل کنیم، که گاهی یک جاهایی از این زنجیره قطع شده است، تا یک خط تولید واقعی درست بشود و علم بتواند از همه جهات به اهداف خودش برسد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

۱۰- استعداد نخبه‌پروری در محاسبات لحاظ شود

مقام معظم رهبری نقش نخبگان را در ایجاد قدرت ملی، سازندگی و آینده کشور مؤثر می‌دانند و بر حضور این قشر در توسعه و پیشرفت کشور تأکید می‌کنند: «کشور ما از لحاظ استعداد نخبه‌پروری و دارا بودن نخبه‌ها، یک سطح بالاتر از متوسط را دارد. این در محاسبات باید بیاید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).



نتیجه

علم، ابزاری کارآمد و مؤثر برای بشر است تا راه کمال و ترقی را بهتر ببیند و وسایل رفاه و سعادت مادی و معنوی خود را فراهم کند. پیشرفت‌های علمی بر توانایی کشورها در زمینه‌های مختلف تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به عقب‌ماندگی علمی کشور هشدار می‌دهند و همگان را به علم‌آموزی و پیمودن هرچه سریع‌تر راه ترقی علمی و فناوری ترغیب می‌کنند.

از نگاه مقام معظم رهبری جامعه می‌تواند از طریق تلاش عقلانی نیروهای انسانی به دستاوردهای عظیمی در توسعه دست یابد. در الگوی توسعه رهبری بر علم و فناوری تأکید زیاد می‌شود و توسعه نیازمند دانش و تخصص و کار سودمند است.

یکی از ویژگی‌های مهم الگوی توسعه از نظر رهبری، عدالت محوری است. مقام معظم رهبری معتقدند که هیچ عاملی به اندازه عدالت، نمی‌تواند ناسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی را اصلاح کند. چرا که فقدان عدالت، کلید پیدایش بزهکاری، مفاسد و آسیب‌های اجتماعی است و خشونت، تعدی، عدم امنیت اجتماعی و پیدایش معضلات روانی از جمله آثار بی‌عدالتی است.

در الگوی توسعه و پیشرفت رهبری، به کار و تلاش هدفمند تأکید می‌شود که این باعث می‌شود جامعه به یافته‌های علمی جدید مجهز شود و به توسعه و پیشرفت بیانجامد. از دیگر شاخص‌های الگوی توسعه و پیشرفت رهبری، استقلال و خوداتکایی کشور در توسعه است. مقام معظم رهبری جامعه را به نفی سلطه‌پذیری فرا می‌خواند و در دیدگاه ایشان، توسعه واقعی با خودکفایی رابطه‌ای نزدیک دارد و عزت و سربلندی کشور در گرو عدم وابستگی به کشورهای دیگر است. الگوی توسعه و پیشرفت رهبری، اسلامی- ایرانی است که در آن به کرامت انسانی توجه می‌شود و همگرایی و همسویی اخلاق با اقتصاد و توسعه، سبب می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی، جهت و هدفی معقول بیابد و علم و فناوری در راه گسترش عدالت و اخلاق و تأمین حقوق ملت و مبارزه با فقر و تبعیض مورد استفاده قرار گیرد و از سوی دیگر مدل‌ها و الگوهای پیشرفت بر اساس شرایط گوناگون کشور از جمله شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی انتخاب، و ایجاد می‌شوند.

منابع

- عبدالکریمی، م. (۱۳۸۲) **مدیریت دانش، فناوری و خلاقیت و نقش آنها در بهبود کارایی و اثر بخشی**، مرکز اطلاعات صنعتی و معدنی ایران.
- گاتری، ویلیام کیت چمبرز (۱۳۷۸)، **افلاطون، جمهوری**، ترجمه حسن فتحی، تهران: فکر روز.
- گانج . دی . بات (۱۳۸۱)، «مدیریت دانش در سازمان‌ها: بررسی تأثیر متقابل فناوری، فنون و انسان»، ترجمه م. ایرانشاهی، **فصلنامه اطلاع رسانی**، دوره ۱۸، شماره ۱ و ۲.
- محمودنژاد، ابراهیم (۱۳۸۰)، **مدیریت بر آینده با تکنولوژی فردا**، تهران: انسیتو ایزایران.
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۲/۱۱/۲۱)، بیانات در دیدار با جوانان نخبه، **پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2546>
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۳/۳/۲۷)، بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، **پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2597>
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۳/۶/۴)، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، **پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2623>
- مقام معظم رهبری (۱۳۷۴/۶/۸)، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و هیأت وزیران، **پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=1158>
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۶/۰۲/۲۵)، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۶/۰۶/۱۲)، بیانات در دیدار نخبگان جوان، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383>
- **آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3399>

- مقام معظم رهبری (۱۳۸۷/۰۱/۰۱)، بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3424>

- مقام معظم رهبری (۱۳۸۷/۰۶/۰۵)، بیانات در دیدار با نخبگان جوان دانشگاهی، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3685>

- مقام معظم رهبری (۱۳۸۷/۰۷/۰۳)، بیانات در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3851>

- مقام معظم رهبری (۱۳۸۸/۰۲/۲۷)، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6917>

- مقام معظم رهبری (۱۳۸۸/۰۶/۰۸)، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7959>

- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۳۸)، **توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی**، تهران: دانشگاه پیام نور.

- Bronman, John(1996), *Popular Development*, London: Black Well Publishers, Brunt land.
- Harlem Qro.(1993), "Sustainable Development an Overview", *Development Journal Of Sid*, Vol.2. No.3.
- Drucker, p.(1988)," The Coming of The New organization", *Harvard business Review*, pp.45-53, jan-feb.1988